

## Interreligious dialogue based on the covenant

Khalil Hakimifar<sup>1</sup> 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Religion and Comparative Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Teaching, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: [kh\\_hakimifar@theo.usb.ac.ir](mailto:kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir)

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 15 October 2022

Received in revised form:

6 November 2022

Accepted: 11 December 2022

Published online:

21 December 2022

#### Keywords:

covenant,  
religious  
dialogue,  
Judaism,  
Christianity and Islam

### ABSTRACT

Although theoretical approaches are necessary in interfaith dialogues, they are not sufficient. It is better to proceed with a real experience based on the teachings related to the roots of religions. This can happen in practice based on spirituality and by relying on the inner aspects of religions and also by overcoming the limitations of personal beliefs and with a positive attitude towards all religions and respecting other believers. In this context, monotheism can be a suitable basis for dialogues between religions, but the fact is that the theology of religions is the subject of many debates in terms of epistemology, and as a result, as an issue, it needs more studies and discussions. Worship can also be considered as the common basis of religions. But worship with different manifestations is basically a personal relationship and a kind of inner encounter with God, and its content is basically a personal experience. But the doctrine of "covenant" is very clear, especially in the main Abrahamic religions, and it needs less explanation than some theological doctrines. In addition to this, the covenant doctrine is common in our daily lives on a smaller scale, and its meaning, concept, and role in social life are more or less clear to everyone.

---

**Cite this article:** Hakimifar, K., (2022). Interreligious dialogue based on the covenant . *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 6 (2), 133-159 DOI: 10.22111/jrm.2023.44590.1107



© The Author(s).

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/jrm.2023.44590.1107

---

## گفتگوی ادیان بر مبنای آموزه میثاق

خلیل حکیمی فر<sup>۱</sup>

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: [kh\\_hakimifar@theo.usb.ac.ir](mailto:kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir)

| اطلاعات مقاله   | چکیده   |
|---|---|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی   | در گفتگوهای بین ادیان رویکردهای نظری هر چند لازم، اما کافی نیست. بهتر است گفتمان با تجربه‌ای واقعی و بر مبنای آموزه‌هایی که به کنه ادیان مربوط می‌شوند، پیش برود. این اتفاق در عمل به وسیله‌ی اهالی معنا و با تکیه بر باطن ادیان و نیز با گذر از محدودیت‌های عقاید شخصی و با نگرش مثبت و به همه‌ی ادیان و تکریم سایر معتقدان قابل رخ دادن است. مسئله این است که کدام مبنای مشترک می‌تواند بهترین مبنای برای گفتگوهای ادیان در نظر گرفته شود. توحید می‌تواند مبنای مناسبی برای گفتگوهای میان ادیان باشد اما واقعیت این است که الهیات ادیان به لحاظ معرفت‌شناختی محل بحث بسیاری است و در نتیجه به عنوان یک مسئله، نیاز به مطالعات و بحث‌های بیشتر دارد. عبادت نیز می‌تواند به عنوان مبنای مشترک ادیان در نظر گرفته شود. اما عبادت با جلوه‌های متفاوت در اصل یک رابطه شخصی و نوعی مواجهه باطنی با خداوند است و محتوای آن در اصل یک تجربه شخصی است. اما آموزه "میثاق" بویژه در ادیان ابراهیمی اصلی بسیار روشن است و نسبت به برخی آموزه‌های الهیاتی نیاز کمتری به ایضاح دارد. علاوه بر این آموزه میثاق در مقیاسی کوچکتر در زندگی روزانه ما انسانها امری رایج و متداول است و معنا، مفهوم، و نقش آن در زندگی اجتماعی کمابیش برای همگان روشن است. لذا پژوهش حاضر به تبیین آموزه میثاق بعنوان یک مبنای مطلوب در گفتگوی ادیان، با استفاده از منابع مکتوب و با روش تحلیلی می‌پردازد. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۳   |   |
| تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۸/۱۵   |   |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۰  |   |
| تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰   |   |
| واژه‌های کلیدی:<br>میثاق،<br>گفتگوی ادیان،<br>یهودیت،<br>مسیحیت و اسلام |   |

استناد: حکیمی فر، خلیل (۱۴۰۱). گفتگوی ادیان بر مبنای آموزه میثاق. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۶ (۲)، ۱۵۹-۱۳۳.

DOI: 10.22111/jrm.2023.44590.1107



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

## مقدمه

تاریخ گفت و گو و مباحثه را باید با تاریخ پیدایش بشر یکی دانست (نخستین گفت و گو بین هابیل و قابیل در مورد پذیرش و عدم پذیرش قربانی آنها به وجود آمد (آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره مائده) و همچنین مباحثه میان ادیان با هدف به پیروزی رساندن اعتقادات خود و از میدان بیرون راندن رقیب از دیرزمان صورت گرفته است. اما گفت و گو به معنای دستیابی به بینشها و ارزشهای مشترک که اخیراً روح تازه ای یافته است و مورد توجه ادیان قرار گرفته، نمی توان بدرستی گفت از چه زمانی آغاز شده است. مطالعه در تاریخ ادیان بزرگ چون مسیحیت و یهودیت این حقیقت را بر ما نمایان می کند. که هر کدام از اینها فقط خود را بر حق و دیگری را بر باطل می دانسته اند. قرآن برخورد یهود و مسیحیت را این گونه بیان کرده است: (قالت الیهود لیست النصارى علی شیء و قالت النصارى لیست الیهود علی شیء) (سوره بقره/ ۱۱۳) یهود گفتند: مسیحیان بر چیزی از حق استوار نیستند و مسیحیان نیز گفتند: یهودیان بر چیزی از حق نیستند.

آثار مربوط به گفت و گو درباره ی دین یا درباره ی موضوعات فلسفی تاریخ درازی دارد، مشهورترین نمونه های غربی در این زمینه بدون شک گفت و گوی افلاطون و مخصوصاً روش تدریس سقراط بوده که به شیوه سؤال و جواب ارایه شده است. در اواخر قرن نوزدهم گذشته از جنبه های دفاعی و جدلی، تلاش جدیدی برای گردآوردن رهبران مذهبی جهان با روحیه ای آشتی جویانه صورت گرفت و تأکید آن بر اتحاد آنان بود نه بر افتراق. اولین اجلاس از این دست، «پارلمان ادیان جهان» بود که در سال ۱۸۹۳ در شیکاگو برگزار شد. پس از آن بود که اصطلاح «گفت و گوی ادیان» از نیمه دوم قرن بیستم به بعد در بین سنت های دینی مختلف رواج و عمومیت یافت. در موضوع میثاق و نیز در بحث مبانی گفتگوی ادیان بصورت جداگانه آثاری در زبان فارسی وجود دارد که البته برخی از این آثار بویژه در زمینه مطالعات تطبیقی در مفهوم میثاق مربوط به نویسندگان این مقاله می باشد، اما طبق بررسی های صورت گرفته، در موضوع میثاق بعنوان مبنایی برای گفتگوی ادیان اثر خاصی دیده نشد.

## ضرورت گفتگو

متأسفانه این مسئله واقعیت دارد که منازعات و جنگ های بسیاری به نام دین اتفاق افتاده و انسان های بسیاری به نام دین کشته شده اند و امروز نیز شرارت های بسیار به نام دین اتفاق می افتد.

بسیاری از اندیشمندان و رهبران دینی جهان بر این عقیده‌اند که لازمه صلح جهانی، صلح واقعی میان پیروان ادیان است. اصل گفتگو نه تنها در میان پیروان ادیان مختلف بلکه پیش از آن در عرصه های مختلف خانواده سیاست فرهنگ و اجتماع دارای اهمیت فراوانی است شواهد موجود حاکی از این است که ما در موضوع گفتگو در تمامی این عرصه ها دارای چالش فراوانی هستیم. اندیشمندان همواره این نقد را بیان می کنند که چرا در برخی جوامع گفتگوی ادیان از سطح نخبگان به سطح عامه نرسیده است. متأسفانه باید گفت که گفتگوی ادیان در سرزمین ما حتی در سطح نخبگان شکل نگرفته است تا چه برسد به سطح متوسط و عامه مردم. این مهم باید در دستور کار متولیان امر قرار گیرد و به تدریج وارد بدنه و طبقه متوسط جامعه گردد. چرا که طبقه متوسط در هر جامعه ای طبقه فعالان اجتماعی است که از رفتاری متعادل تر و تاثیر گذارتر برخوردار است.

### هدف از گفتگوی ادیان

پیشتر در گفتگوی ادیان، هدف رسیدن به همزیستی مسالمت آمیز و صلح بود اما امروزه هدف شناخت خود و دیگری و از بین بردن سوء ظن ها و سوء رفتارها است. گفتگوی بین ادیان به لحاظ روانشناختی نیز راهی برای شناخت محدودیت‌های خود است. انسان بواسطه آن می‌تواند ضمن شناخت محدودیت‌ها، به فراتر از محدوده فردی خود برسد. به لحاظ جامعه شناختی هم نوعی ترس و اضطراب ناشی از تنوع و تکثر در برخی وجود دارد. اما تمرکز بر دانش دین و گفتگوی بین ادیان راهی مطمئن برای کاهش این خطر است. برای برخورداری از چنین زمینه ای کسب مهارت‌های ارتباطی نیز ضروری است. این مهارت‌ها شامل توانایی درک عقاید دیگران و توانایی ابراز ایمان شخصی است. (حکیمی فر، ۱۴۰۰، ص.۳)

### ساحت گفتگوی ادیان

دیالوگ در ساحت عشق ممکن است. وقتی می‌گوییم عشق، مراد یک حالت روانشناسی نیست. ما تا از وضع عادی و علم رسمی خارج نشویم و از ساحت تمتع وجود خود نگذریم در بند سود و زیانیم. نه اینکه در اندیشه سود و زیان نباید بود بلکه در این ساحت دیالوگ مورد ندارد. ساحت دیالوگ بالاتر از ساحت تمتع و مصلحت بینی است. ما از هم‌زمانی دور شده ایم و به این جهت است که در جستجوی آن بر آمده ایم زیرا ما با هم‌زمانی انسان شده ایم. عهد الست ما، عهد هم‌زمانی است این همداستانی ضامن پیوند و ارتباط آدمیان است. به این جهت عقل و نظام زندگی نیز با آن قوام پیدا

می کند. هر وقت که ارتباط و همبستگی بشری سست می شود همزمانی می تواند آن را تدارک کند.

### مبنای گفتگوی ادیان

گفتگوی بین ادیان در وهله نخست باید بر مبنایی باشد که مربوط به عمق و کنه ادیان است؛ یعنی در سطح حیات معنوی و تجربه دینی. در چنین گفتگویی، یک فرد مومن نباید خود را محدود به سنت‌های دینی خود کند، بلکه باید نوعی شناخت نسبت به آن سوی باورهای شخصی خود داشته باشد. در واقع می توان گفت که در درون این افراد تغییری اساسی رخ داده، به گونه‌ای که دیگران را در این سفر معنوی، نه در مقابل هم، بلکه در کنار خود و همسفر خود می بینند و در واقع تبدیل به افرادی می شوند که باعث رشد و شکوفایی بیشتر او در تجربه ایمانی می شوند. این نوع نگاه می تواند دو راز را برملا کند: راز نخست، مبتنی بر این عقیده است که خدا از طریق دیگری سخن می گوید و ما نیز باید چنین کنیم و راز دوم هم فهم این نکته است که دیگران نیز بهره‌ای از حق دارند که می توانند مکمل حقانیت ما باشند و کسی نمی تواند ادعا کند که تمام حقیقت نزد اوست یا نسبت به تمام اسرار الهی آگاه است.

### میثاق به عنوان مبنایی برای گفتگوی ادیان

ادیان آسمانی در حوزه هستی شناسی دینی، خدا شناسی و معاد شناسی بیشترین اهتمام را داشته اند و در مجموعه معارف دین، این گونه مباحث بعنوان اصول دین شناخته شده اند. در متون اصلی ادیان، تصویری که از مبدأ آفرینش ارائه شده است از همانندی در خور توجهی برخوردار است. بنا بر این، توحید می تواند مبنای مناسبی برای گفتگوهای میان ادیان باشد. از این رو برخی محققان توحید را مبنای گفتگوی میان ادیان به حساب آورده اند که از جمله آنها خالد عکاشه<sup>۱</sup> در مقاله ای با عنوان "مبانی الهیاتی گفتگوهای میان ادیان" این مبنا را مطرح کرده است. اما واقعیت

<sup>۱</sup> . Akasheh, Khaled (1999) "The Theological Foundations of the Interfaith Dialogue," *Vincentiana*: Vol. 43: No. 4, Article 12. Available at: <https://via.library.depaul.edu/vincentiana/vol43/iss4/12>

این است که الهیات ادیان به لحاظ معرفت شناختی محل بحث بسیاری است و در نتیجه به عنوان یک مسئله، نیاز به مطالعات و بحث های بیشتر دارد. اصل عبادت نیز توسط برخی از محققان بعنوان مبنا پیشنهاد شده است. گرچه عبادت و نیایش در همه ادیان به انحای مختلف وجود دارد، اما در اصل یک رابطه شخصی و نوعی مواجهه باطنی با خداوند است و محتوای آن در اصل یک تجربه شخصی است.

مونا صدیقی اسلام شناس پاکستانی الاصل در دانشگاه گلاسگو شفقت و رحمت را اساس گفتگو می داند. از نگاه او، پیام قران و کتاب مقدس این است که خداوند مهربان است. حالا اگر خداوند مهربان است، چگونه باید این رحمت را در زندگی واقعی انسان زنده کرد؟<sup>۲</sup>

برایان استیلنتر<sup>۳</sup> در مقاله ای با عنوان "عشق به همسایه بنیاد گفتگوی میان مسیحیان با مسلمانان"<sup>۴</sup> عشق به همسایه را مبنای گفتگوی میان مسیحیان و مسلمانان می داند. از نظر او هر دو این سنت های بزرگ دینی عشق به خدا و عشق به همسایه را محور ایمان خود می دانند.

هانس کونگ (Hans Küng متولد ۱۹ مارس ۱۹۲۸) کشیش، متأله و نویسنده کاتولیک سوئیسی<sup>۵</sup> بر این عقیده است که اعتقاد به اینکه خدای واحد قدیم که رحمان و رحیم است و می توان با او مواجهه رود رو داشت، آموزه مشترک ادیان ابراهیمی است. بنا بر این می تواند اصل مشترک گفتگو و تفاهم میان ادیان ابراهیمی باشد. ایشان در ابتدای دهه ۱۹۹۰ اخلاق جهانی را نیز به عنوان مبنای گفتگو مطرح می کند که به عقیده او این ویژگی های اخلاقی نه تنها مورد قبول باورمندان بلکه مورد پذیرش سکولارها نیز هست. او در کتاب "مسئولیت جهانی" اخلاق

<sup>۲</sup> - <http://www.osservatoreromano.va/en/news/compassion-and-mercy-keys-to-interreligious-dialog>

<sup>۳</sup> - Brian Stiltner

<sup>۴</sup> - Neighbor-Love as a Keystone to Christian-Muslim Dialogue 20-Sacred Heart University, stiltnerb@sacredheart.eduT 2013

<sup>۵</sup> . هانس کونگ. یوزف فان اس. مسیحیت و ادیان جهانی (مسیحیت و اسلام). پی پر، ۱۹۸۴

جهانی را شامل احترام به نوع انسان، عدم خشونت، صرفه جویی در اقتصاد، تحمل، صداقت و برابری جنسیت و نژاد دانست.<sup>۶</sup>

علاوه بر موارد یاد شده که بررسی و نقد هر یک در این نوشتار نمی‌گنجد، این جستار آموزه "میثاق" را به عنوان یک مبنای مشترک برای گفتگوی ادیان معرفی می‌کند. وجه امتیاز این آموزه بویژه در ادیان ابراهیمی این است که اصلی بسیار روشن است و نسبت به برخی آموزه های الهیاتی نیاز کمتری به ایضاح دارد. علاوه بر این، آموزه میثاق در مقیاسی کوچکتر در زندگی روزانه ما انسانها امری رایج و متداول است و معنا، مفهوم، و نقش آن در زندگی اجتماعی کمابیش برای همگان روشن است. البته نگارنده بر این اعتقاد است که این آموزه کمابیش در همه ادیان وجود دارد و به نظر می‌رسد که می‌تواند نه تنها در میان ادیان ابراهیمی بلکه در میان تمام ادیان بعنوان اصلی مبنایی و مشترک برای گفتگو در نظر گرفته شود که طرح این مسئله و ارائه شواهد لازم در ادیان دیگر و تبیین آنها موضوع جستار بعدی نویسنده خواهد بود.

مسئله میثاق در عهد عتیق و عهد جدید یکی از عناوین بسیار داغ در گفتگوهای انتقادی یهودیت و مسیحیت در قرون بیستم، به ویژه در سه دهه گذشته بوده است. این باعث طرح باز بینی برخی از عقاید محوری در یهودیت و مسیحیت و باعث ایجاد قرائت های بیشتر کثرت گرایانه در عهد عتیق و جدید شده است. مطالعات راجع به میثاق حتی باعث طرح مکتب های فکری مستقلی شده است که بر الهیات میثاق دوگانه معروف شده و این ها توسط متفکرین برجسته یهودیت و مسیحیت مورد تأیید واقع شده است. این پیشرفت ها حاکی از این است که کثرت گرایی مبتنی بر میثاق نقش مهمی هم در یهودیت و هم در مسیحیت داشته است.

میثاق یکی از بنیادی ترین آموزه های ادیان ابراهیمی است. اگر بخواهیم میثاق در کتب مقدس را در یک کلمه خلاصه کنیم، شاید بهترین کلمه، "رابطه" باشد. انسان آفریده شد تا با خدا شراکت و رفاقت داشته باشد و با توکل و ایمان کامل به خدا و اراده اش، او را جلال دهد، با او مشارکت

<sup>۶</sup> -Bradley Shingle ton, In Search of Common Ground: The Role of a Global Ethic in Inter-Religious Dialogue.2008.  
[https://www.carnegiecouncil.org/publications/ethics\\_online/0023](https://www.carnegiecouncil.org/publications/ethics_online/0023)

معنوی داشته باشد و از نعماتش بهره‌مند شود. پس خدا می‌خواهد که با انسان در ارتباط باشد؛ او همچنین می‌خواهد که این رابطه رسمیت بیابد. ما از واژگان مختلف مانند قرارداد، موافقت‌نامه، و عهد و پیمان، برای روابط رسمی استفاده می‌کنیم. مردم از طریق عقد و امضای قرارداد، تعهدات و وعده‌های خود را رسمیت می‌بخشند. این‌ها همه جزو زندگی عملی ما است. در کتاب مقدس نیز همان خدایی که می‌خواست با ما ارتباط داشته باشد، تصمیم گرفت با ما قراردادی منعقد کند که البته با قراردادهای انسانی متفاوت است. کتاب مقدس از آغاز تا انجام، تفصیلی از همین "میثاق خدا با انسان" است. عبارت دیگر کل کتاب مقدس توضیح و بیانی مفصل از میثاق میان خدا و انسان است. در اینجا انسان و خدا طرفین مساوی قرارداد نیستند، چون این خداست که پیش قدم شده و منشأ این میثاق فیض و محبت اوست.

بر این اساس: ۱- خداوند با آدم میثاق حیات بست ۲- پیوست این عهد و پیمان حیات است ۳- شرط این میثاق اطاعت محض است ۴- کیفر نقض میثاق مرگ است. این سخنان نه بر اساس عباراتی صریح از عهدین، بلکه مبتنی بر چکیده و حقیقت کتاب مقدس است. به عبارت دیگر، گرچه کلمه عهد در تورات و هیچ جای کتاب مقدس بکار نرفته و واژه میثاق در سفر پیدایش و در هیچ مدخلی به‌روشنی نیامده، اما در واقع این اصطلاح اشاره به یک معامله ایی دارد که اتفاق افتاده و کلیت آن در کتاب مقدس ثبت شده است. اما طرح نجاتی که دائم به‌عنوان عهد جدید ارائه می‌شود امر جدیدی است. در عهد جدید حیات در عوض ایمان داده می‌شود نه عمل. با این وجود آشکار است که عهد جدید میثاق نخستین خدا با آدم را تأیید می‌کند و جدید بودن آن به معنای مخالفت با میثاقی نیست که پیشتر منعقد شده است. (پور احمد و حکیمی فر، ۱۳۹۷، ۵)

میثاق تعیین‌کننده نوع رابطه میان خدا و انسان است و کل کتاب مقدس نیز تفصیلی از میثاق بشمار می‌رود. این مدل می‌تواند در گفتگوهای ادیان مورد توجه جدی و با بحث، بررسی و به‌روزرسانی آن در روابط انسانی مورد استفاده قرار گیرد. طرح این موضوع می‌تواند روابط بین‌الملل را به‌سوی نوعی ثبات بر پایه رعایت و پایبندی کامل به یک سری قواعد مشخص مادی و معنوی رهنمون سازد. ارتباط میثاقی ارتباطی است که ایجاد شده و ملت بنی اسرائیل با آن تعریف می‌شوند. این در واقع داستان عهد عتیق یا کتاب مقدس عبری است. سایر ملت‌ها، رویدادها و فرامین ارائه شده اند برای تعریف این میثاق. برای اینکه به ناقضین آن هشدار بدهند و نفرینی را



بیان کنند برای کسانی که نقض می کنند یا بیانگر برکت باشد برای کسانی که از آن پیروی می کنند. زندگی حضرت ابراهیم و فرزندانش ( اسحاق ، یعقوب ، قوم اسرائیل و مسیحیان) نشان می دهد که سلامتی و ثروت "برکات" تضمین شده در میثاق ابراهیمی هستند. خداوند در میثاق خود با ابراهیم (ع) پنجاه وعده برکت به ایشان داده است..

رندتورف میثاق یهوه با بنی اسرائیل را به محبت یهوه مربوط می داند. از نظر او تاریخ قوم یهوه ، گذشته و حال و آینده ، زندگی یک فرد اسرائیلی ، در واقع تمام جهان صحنه ی نمایش محبت یهوه است. یهوه به نفع اسرائیل عمل می کند؛ او وعده حیات، رفع رنج، و حمایت را داده است. در واقع سرتاسر زمین را از محبت خود پر کرده است و فقط از اسرائیل اطاعت و بندگی را می خواهد.» با وجود تمامی اینها از اسرائیل انتظار نمی رفت که میثاق را رها سازد و خدایان دیگر را بپرستد. زمانی که اسرائیل خدایان دیگر را تعظیم کرد در نبود موسی خشم یهوه را برانگیخت. طبق این گفته یهوه خدایی بود بدون مردمی که او را بپرستند. او به دنبال رابطه با قومی بود که از طریق آن می توانست همه اهل زمین را برکت بدهد. ( پیدایش؛ ۱۲:۳ ) رندتورف در ادامه می گوید: « در اسرائیل قوم خدا بودن به معنای حفظ فرمان اول و دوم عهد سیناست.» اگر اسرائیل بر میثاق خود با یهوه باقی بماند، تمامی برکات یهوه برای آنها سرازیر خواهد شد و میثاق در تضمین این رابطه بسیار موضوع مهمی است. (Rendtorff, 2000. 11)

از نظر نیومن همین رابطه ی میثاقی است که قوم اسرائیل را والاتر از مردم خاور نزدیک باستان قرار داد. چرا که رابطه میثاق همان چیزی بود که ملت اسرائیل را ایجاد و تعریف نمود. در واقع تمامی رویداد های ثبت شده در کتاب مقدس آورده شده تا میثاق را تعریف کنند و برای کسانی که نقض میثاق می کنند هشدار دهند و برای کسانی که وفادار به عهد هستند برکت دهند. از این روست که بدون رابطه ی میثاق با یهوه، اسرائیل قوم برگزیده عهد عتیق نخواهد بود. (Mweemba, 2010, p. 97)

از نوع عمل دو طرف یهوه و اسرائیل کاملاً معلوم است که ارتباط دو طرفه و متعهدانه بوده است. همچنان که ما شاهد این نوع ارتباط در میثاق بین اسحاق و ابی ملک در سفر پیدایش ( ۲۳:۲۶ ) هستیم. در انجا می بینیم که خداوند همراه با اسحاق است و ابی ملک، اسحاق را برای

میثاق صلح در نظر می‌گیرد و آنها با هم توافق می‌کنند که با یکدیگر کاری نداشته باشند (نسبت به هم در امان باشند). آیین میثاق با قربانی و ضیافت ادامه می‌یابد. در سفر پیدایش (۳:۲۳) آمده سپس آنها جشن گرفتند و خوردند و نوشیدند و سپس قسم یاد کردند، صبح هنگام آنها نذر و قسم با یکدیگر مبادله کردند و همدیگر را با صلح و سازش ترک کردند. (پیدایش ۳۱:۲۶) کالوویتیل (۱۹۸۲) می‌گوید که هم سفره شدن معنی عمیقی در میان سامی‌های باستان داشته است، این نماد و تاییدی بر همکاری و تعهد اجتماعی متقابل بوده. در واقع بدین صورت آنها خویشاوند می‌شوند چون تنها خویشاوندان هستند که با همدیگر مهمانی می‌گیرند. در سفر پیدایش (۵۵،۵۳:۳۱) الگوی میثاق بین اسحاق و ابی‌ملک تکرار شده است. یعقوب قسمی را ایجاد می‌کند و از خویشاوندان دعوت می‌کند که وارد طعام بشوند (طعام میثاق) صبح هنگام لابان با صلح و دوستی آنجا را ترک می‌کند. وقتی که میثاق بین این‌ها اتفاق می‌افتد دیگر هیچ صدمه‌ای از جانب آنها اتفاق نمی‌افتد نمونه‌های فوق توافق‌های متوازن یا میثاق مساوی بین طرفین است. این پیمان با سوگند و نذر (غذا خوردن، قربانی) تصویب و اجرا شد که یک توافق دارای قید و بند متعهدانه برای سازش در صلح با تعهد متقابل ایجاد شد. پیمان سینا به روشی مشابه اجرا شد، جز اینکه پیمان حدا پیمان جدا شدن نیست بلکه تعلق و وابستگی مدام است.

ابهامات فراوانی در مورد درک کلمه "میثاق جدید" در انجیل وجود دارد؛ زیرا این اصطلاح معانی فراوانی دارد. سی و سه واقعه در انجیل از اصطلاح "میثاق جدید" وجود دارد: ۱۸ مورد در نامه‌های پولس، ۱۷ مورد در عبرانیان، ۴ مورد در لوقا و اعمال رسولان، و ۱ مورد در متی / مرقس / افسسیان / و مکاشفه. پولس برای اولین بار با صفت "kaine" در ارتباط با میثاق جدید استفاده می‌کند. در اول قرن‌تین ۱۱:۲۵ از عبارت "پیاله‌ی عهد جدید در خون من" استفاده می‌شود. در مرقس ۱۴:۲۴ نیز همین عبارت بکار رفته است. لوقا باب ۲۲ از آیه ۱۷ تا ۲۰ در دو حدیث، یک حدیث کوتاه‌تر که در آن اصلاً به عهد اشاره نمی‌کند و در یک حدیث طولانی‌تر از آن به عنوان میثاق جدید یاد می‌کند. تنها اشاره به "میثاق قدیم" در دوم قرن‌تین ۳:۱۴ یافت می‌شود که در آن پولس از خواندن عهد عتیق صحبت می‌کند. در عهد عتیق در کتاب ارمیا باب ۳۱ آیات ۳۱ تا ۳۴ از میثاق جدید سخن رفته است: «خداوند می‌گوید: اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ایی خواهیم بست. نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را

دستگیری نمود تا از سرزمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند با آنکه خداوند می‌گوید من شوهر ایشان بودم. اما خداوند می‌گوید: «اینست عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در دل‌هایشان خواهم نوشت و خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود ...» (Campbell, 1984, pp. 54-58)

یکی از ویژگی‌های بارز میثاق جدید این است که با میثاق سینا در سفر خروج متفاوت است به این دلیل که این بار خداوند شریعت خود را در دل‌های قوم خود قرار داد چون سابقاً بر عهد خویش وفادار نماندند. در واقع این دو میثاق که یکی در عبرانیان عهد جدید مطرح گردید و دیگری در ارمیای عهد عتیق از دو میثاق جدای از هم صحبت می‌کند. عهد جدید در واقع کفاره گناه نقض میثاق سیناست (عبرانیان؛ باب ۹ آیات ۱۷-۱۵). در دوم قرنتیان باب ۳ آیه ۶ چنین بیان شده: «خداوند به رسولان اشاره می‌کند و می‌گوید: « که شما خادم عهد جدید هستید، نه در حرف بلکه این عهد در روح و قلب شما نهادینه شده است؛ زیرا جسم و حرف‌ها و رمز‌های مکتوب روزی از بین می‌روند و تنها روح است که زنده خواهد ماند و جاودان است.» در هیچ یک از نامه‌های پولس تضادی از مسیحیت و یهودیت در قالب عهد عتیق و عهد جدید وجود ندارد. پولس هرگز این نظر را ندارد که یک عهد جایگزین عهد دیگری شده است بلکه بیشتر به تغییر پویا فکر می‌کند. پولس هرگز از واژه عهد عتیق و عهد جدید استفاده نمی‌کند؛ زیرا هر دو عهد (عتیق و جدید) به اولین عهد خداوند با ابراهیم باز می‌گردد. به عقیده پولس بعد از رسالت مسیح خداوند این بار عهد را بر دل‌های آنها نوشته است (دوم قرنتیان؛ ۳:۳). پولس اشاره می‌کند در حزقیال باب ۳۶ آیه ۲۶: « خداوند دل‌های سنگی اسرائیل با قلبی از گوشت جایگزین می‌شود در واقع وعده‌های خداوند به ابراهیم مربوط به آینده است و تنها در مسیح است که برکت موعود موثر واقع می‌شود. این همان شریعت موسی است که به شیوه جدید مطرح گردیده است و از شریعت جدیدی سخنی گفته نشده است. به عبارت ساده‌تر، عهد جدید تفسیر مجدد عهد عتیق است. اگر عهد ابراهیم با خداوند را نمونه نخستین و واقعی عهد برای اسرائیل باشد ما باید از یک عهد تجدید یافته صحبت کنیم. . (دوم قرنتیان؛ ۳:۳)

آمدن عیسی مسیح نشان می‌دهد که چگونه این توسعه میثاقی مربوط به عهد ابراهیم است. اساساً آمدن عیسی مطابق با عهد ابراهیمی است. عیسی به عنوان کسی است که خداوند فرستاده است تا مطابق وعده‌هایی که خداوند به ابراهیم داده است اسرائیل را از شر دشمنان نجات دهد ( لوقا باب ۱ آیات ۵۴ و ۵۵ و ۶۸ و ۷۵). هنگامی که مسیح بنی اسرائیل را نجات داد عهد ابراهیمی بطور کامل محقق گشت ( اعمال رسولان باب ۳ آیات ۲۵ و ۲۶). با توبه ی اسرائیل همه چیزهایی که توسط پیامبران گفته شده بود محقق گردید و به سعادت و تصاحب سرزمین کنعان توسط اسرائیل منجر خواهد شد ( اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۴). یک اسرائیلی با ایمان خود منتهی به توبه می‌شود تا رهایی و برکت خداوند را بدست آورد ( اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۶). (H.Essex, 1999, pp. 191-212).

قرآن کریم به عنوان تداومی از سنت ابراهیم (ع) و به یادآوری از این سری تذکره کننده گان به صداقت میثاقی را که خداوند با جوامع پیشین بسته است آنها را تأیید می‌کند، بنابر این قرآن نه تنها به دنبال این است که آن میثاقی را که ارواح پیش از اینکه قالب جسمانی به خود بگیرند را به بشریت یادآوری می‌کند، بلکه همچنین می‌خواهد میثاق‌هایی را که فراموش شده و از آنها غفلت شده است آنها را نیز یادآوری کند. قرآن کریم می‌خواهد هم میثاق‌های پیش از هبوط را به انسان یادآوری کند و هم می‌خواهد میثاق‌های بعد از هبوط را به انسان یادآوری کند. قرآن کریم در آیه ۱۴ سوره مائده می‌فرماید: کسانی که می‌گویند ما مسیحی هستیم، ما با آنها میثاق بسته ایم و سپس آنها فراموش کرده اند بخشی از آن چیزی را که به آنها یادآوری شده است. بنی اسرائیل در چندین جا بخاطر نقض میثاق مورد نکوهش قرار گرفتند همچنانکه ما در آیه ۸۳ سوره بقره می‌بینیم که خداوند متعال می‌فرماید: بیاد آور زمانی را که با بنی اسرائیل میثاق بستیم که جز خدای را نپرستند، با والدین، یتیمان، خویشاوندان و تهدیدشان مهربان باشند، با مردم درست سخن بگویند، نماز را برپا دارند، و زکات یا صدقات بدهند. سپس جزء عده قلیلی از شما منحرف شدید و نقض میثاق نمودید و میثاق را کنار گذاشتید. اشارات به این میثاقی که خداوند با بنی اسرائیل منعقد کرده بیشترین کاربرد میثاق در قرآن را به خود اختصاص می‌دهد، یعنی بیشترین تکراری که از حکم میثاق در قرآن دیده می‌شود مربوط به میثاق با بنی اسرائیل است. علی‌رغم این ادعا که جوامع پیشین میثاق‌شان را با خداوند متعال نقض کرده اند، قرآن در مقایسه با عهد جدید،

چنین ادعایی را مطرح نمی کند که بطور کل یک میثاق جدید را منعقد کرده است، بلکه قرآن بعنوان تأیید دوباره میثاق عمومی یا جهانی تفسیر شده است و بنابر این میثاق قرآن که مبتنی بر همان شالوده اساسی است که در آن میثاق خاصی وجود داشته است. قرآن تصدیق کننده همان میثاق اصلی است و تصدیق کننده بنیان اصلی است که به صورت میثاق هایی متعدد در آمده است، به عبارت دیگر از نظر قرآن فقط یک میثاق وجود دارد و ادیان و حیانی جلوه های مختلف از یک میثاق هستند. در قرآن منظور از عهد تنها همان عهدی است که در روز ازل از انسان ها گرفته شده و قرآن در برخی از آیات از آن یاد می کند. عنوان عهد الست هم در قرآن مورد اشاره قرار گرفته ولی حقیقت و ماهیت آن چندان روشن نیست. محققان اسلامی بر اساس فهم برخی از روایات برای باورند که خداوند به هنگام آفرینش آدم تمام فرزندان آینده او را به صورت موجودات ریز درآورده و با آن ها عهد بسته که آیا من پروردگار شما نیستم...؟ آن ها در هنگام خطاب خداوند دارای عقل و شعور کافی بودند، سخن خداوند را شنیده و پاسخ گفتند. ولی نفس انسان به خاطر اشتغال زیاد به عالم ماده قادر به یادآوردن اصل آن جریان نیست، ولی حاصل آن سؤال و جواب و مشاهده به صورت آگاهی فطری نسبت به خدا، در ذات همه انسان ها باقی مانده است، بنابراین همه انسان ها از هر والدینی که زاده شوند با این فطرت خداجو زاده می شوند. (Al-Qadi, 2003, 18)

بنا بر تعالیم اسلام خداوند متعال از پیامبرانش میثاق گرفته است؛ مبنی بر ادا کردن مسئولیت تبلیغ و رسالت و رهبری و هدایت مردم در تمام زمینه ها و با این تفصیل که اولاً؛ همه را به سوی توحید دعوت کنند، در ثانی، یکدیگر را تأیید نمایند، به این معنا که پیامبران پیشین، امت های خود را برای پذیرش پیامبران بعدی آماده سازند، و پیامبران بعدی نیز دعوت پیامبران پیشین را تصدیق نمایند. خلاصه، دعوت همه به یک سو باشد و همگی یک حقیقت را تبلیغ کنند، و امت ها را زیر پرچم واحدی گرد آورند. خدای متعال در آیه ۷ سوره «احزاب» خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: (به خاطر بیاور هنگامی را که از پیامبران میثاق گرفتیم و همچنین از تو و از «نوح» و «ابراهیم» و «موسی» و «عیسی بن مریم»، آری، از همه آنها پیمان شدید و محکمی گرفتیم)؛ «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقاً غَلِيظاً» (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۲، ص ۵۰).

بنا بر تعالیم اسلام خداوند متعال از پیامبرانش میثاق گرفته است؛ مبنی بر ادا کردن مسئولیت تبلیغ و رسالت و رهبری و هدایت مردم در تمام زمینه‌ها و با این تفصیل که اولاً؛ همه را به سوی توحید دعوت کنند، در ثانی، یکدیگر را تأیید نمایند، به این معنا که پیامبران پیشین، امت‌های خود را برای پذیرش پیامبران بعدی آماده سازند، و پیامبران بعدی نیز دعوت پیامبران پیشین را تصدیق نمایند. خلاصه، دعوت همه به یک‌سو باشد و همگی یک حقیقت را تبلیغ کنند، و امت‌ها را زیر پرچم واحدی گرد آورند. خدای متعال در آیه ۷ سوره «احزاب» خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: (به خاطر بیاور هنگامی را که از پیامبران میثاق گرفتیم و همچنین از تو و از «نوح» و «ابراهیم» و «موسی» و «عیسی بن مریم»، آری، از همه آنها پیمان شدید و محکمی گرفتیم)؛ «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقاً غَلِيظاً» (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۲، ص ۵۰).

به لحاظ آیه میثاق نخستین نقش انبیاء پیش از هر چیز دیگر این است که به انسان‌ها میثاق را یاد آوری بکنند، همان میثاقی که در ابتدا با خداوند بسته شده است و مبدا که آن میثاق فراموش شود، و وظیفه دوم انبیاء این است که به ایمان‌داران بشارت دهند و بی‌ایمانان را هشدار بدهند. اگر از این منظر بنگریم، پذیرش پیامبران جدید که ندادنده تجدید بازسازی یا بهبود تعهد میثاقی انسان نسبت به توحید و نتیجه آن یعنی تعهد را دعوت می‌کنند، ساختاری از تعهد جدید نیست، یعنی اگر انسان به ندای انبیاء گوش بدهد و میثاق خود را به خداوند بازسازی کند این به معنای ایجاد تعهد و میثاق جدید نیست بلکه تجدید همان میثاق اولیه انسان با خدای خویش می‌باشد. علاوه بر این برحسب آیه میثاق پیامبران و رسولان می‌بایستی تثبیت کنند آنچه را که در میثاق به طور ضمنی آمده بود، به عبارت دیگر آنها بایستی گناهان را طبقه بندی نموده و شرک را به عنوان مادر گناهان معرفی نمایند و شرک را به عنوان گناهی مهلک به حساب بیاورند که نتیجه آن برای انسان در جهان دیگر قابل بحث نیست. یکی از احکام و دستورات انبیاء مربوط به شرک است که بدون این میثاق یک چنین تبیینی واضح از شرک به اندازه کافی تبیین نخواهد شد. (Al-Qadi, 2003, 17)

به این ترتیب، نخست تمام پیامبران در مسئله «میثاق» مطرح می‌شوند، سپس از پنج پیامبر اولوالعزم نام می‌برد که در آغاز آنها شخص پیامبر اسلام(ص) آمده است، و بعد از او چهار پیامبر

«اولوالعزم» دیگر، که به ترتیب زمان ظهور؛ نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (علیهم‌السلام) ذکر شده‌اند. این نشان می‌دهد که میثاق مزبور، همگانی بوده که از تمام انبیاء گرفته شده، هر چند پیامبران اولوالعزم به‌طور مؤکدتری در برابر این پیمان متعهد شده‌اند، پیمانی که با جمله «أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» مورد تأکید فوق‌العاده قرار گرفته است. مهم این است که بدانیم این چه پیمان مؤکدی بوده که همه پیامبران در برابر آن متعهد بوده‌اند؛ در اینجا مفسران سخنان گوناگونی دارند که می‌توان گفت همه آنها شاخه‌های مختلف یک اصل کلی هستند و تعهد تنها ادا کردن مسئولیت تبلیغ و رسالت و رهبری و هدایت مردم در تمام زمینه‌ها و ابعاد است. آنها موظف بودند، همه انسان‌ها را قبل از هر چیز، به سوی توحید دعوت کنند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۲، ص ۵۰).

شاهد این میثاق را در سایر آیات قرآن نیز می‌توان یافت، در آیه ۸۱ سوره «آل عمران» می‌خوانیم: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»؛ (به خاطر بیاورید هنگامی را که خداوند پیمان مؤکد از پیامبران و پیروان آنها گرفت که، هر گاه کتاب و دانش به شما دادم، آنگاه پیامبری به‌سوی شما آمد که آنچه را با شما است تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید، و او را یاری کنید، سپس خداوند به آنها گفت: آیا اقرار به آیین موضوع دارید؟ و پیمان مؤکد بر آن بسته‌اید؟ گفتند: آری اقرار داریم، خداوند به آنها فرمود: براین پیمان مقدس گواه باشید من هم با شما گواهم.

نظیر همین معنی در آیه ۱۸۷ سوره «آل عمران» آمده است و در آن صریحاً می‌گوید: خداوند از اهل کتاب میثاق و عهد گرفته بود، که آیات الهی را برای مردم تبیین کنند و هرگز آن را کتمان نمایند.

به این ترتیب، خداوند هم از پیامبران پیمان مؤکد گرفته که مردم را دعوت به توحید الله، و توحید آیین حق و ادیان آسمانی نمایند، و هم از علمای اهل کتاب، که آنان نیز تا آنجا که در توان دارند، در تبیین آیین الهی بکوشند، و از کتمان بپرهیزند.

بنابراین در اسلام پیامبران همگی نقش مذکر دارند؛ هر پیامبری یکی بعد از دیگری مبعوث شده و میثاق و عهد الهی را به بشریت متذکر می‌شود تا انسان‌ها بر احکام و دستورات خداوند

متعال پایبند باشند. بنابراین میثاق در اسلام همان میثاق ازلی خداوند متعال در روز الست است؛ که بین انسان‌ها و خداوند متعال بسته شده است و بر اساس آن خداوند به انسان داده و از او اطاعت خواسته است.

در واقع تاریخ انسان از ابتدا تا انتها درای ۳ مرحله اصلی است: مرحله آسمانی و آن زمانی بود که آدم در بهشت بود، مرحله زمینی در این مرحله انسانها ابتدا عاری از گناه بودند، اما گذشت تاریخ نشان می‌دهد که او چگونه و تا چه حد ضعیف و مستعد گناه است، و به راحتی به وسوس مبتلا شده و در گناه گرفتار می‌شود. اما این حیات (سکونت گزیدن در زمین) یک مرحله حیاتی و مهم در زندگی او را تشکیل می‌دهد، چون در اینجا است که تصمیم می‌گیرد به صورت ابدی نجات یابد و از ملعون بودن دور شود، به همین خاطر خداوند به جهت اینکه آدم را یاری کند تا او بر ضعف خود غلبه نماید و شانس برای نجات داشته باشد، و براساس رحمت خود در طول زمان انبیاء و رسولانی برای ملل مختلف ارسال نموده و آنها را با کتاب‌های مقدس خود تجهیز کرد تا آنها لزوم پرستش خدای واحد و لزوم اطاعت از انبیای الهی را به اطلاع آنها رسانده و آنها را آگاه بکنند. نکته ای که وجود دارد این است که خداوند متعال در میثاقی که در این جهان با انسانها منعقد نمود تا حد زیادی محدوده جمعیت را گسترش داد و در نتیجه آن میثاق با خداوند شامل همه انسان‌ها گردید (نه اینکه فقط خود حضرت آدم به نمایندگی از همگان باشد) که در اثر شکستن این عهد کل بشریت خداوند را به عنوان تنها خدا شناختند. دوم اینکه او میثاق را به شکل تعاملی و بصورت متقابل قرار داد تا بعنوان الگویی برای پیوندها و ارتباطات بشری مدنظر قرار گیرد. (Al-Qadi, 2003, 18)

همچنان که اغلب دانشمندان توجه کرده اند، مهمترین تفاوت عهد عتیق و عهد جدید به لحاظ میثاق این است که در عهد عتیق میثاق تنها برای اسرائیلیان است، در حالی که از عهد جدید اینگونه می‌شود فهمید که میثاق در آن جهانی است هم برای یهودیان و هم برای غیر یهودیان. در حالی که سفر پیدایش از میثاق جهانی برای همه مخلوقات سخن به میان نمی‌آورد، معلوم می‌شود که این میثاق بعد از طوفان نوح طرح شده است. البته نمی‌شود به این سادگی این گونه فهمید که این میثاق، همان میثاق ابراهیم است که با ظهور انبیای بعدی مجددا احیا شده است. به نظر می‌آید که میثاق در قرآن همانند عهد جدید جهانی باشد و برای کل بشریت به کار رفته باشد. اما برای اکثریت مسلمانان بخصوص اهل سنت و در تصوف این عقیده وجود دارد که میثاق مربوط به پیش از این



جهان بوده و در ابتدای خلقت اتفاق افتاده است. از برخی از عبارات عهد عتیق و عهد جدید می شود فهمید که منظور از آنها میثاق جاوید بین خدا و انسان می باشد، همانطور که ما در سفر پیدایش فصل ۱۷ آیه ۷ می بینیم که می فرماید؛ و میثاق خود را بین خودم و شما و فرزندان شما و سراسر نسل شما برای ابد ایجاد کردم تا اینکه خداوند برای شما و برای ذریه شما بعد از شما باشد و همچنین در مزامیر آمده است که خداوند همیشه بر میثاق خود هست و مراقب دستوراتی است که برای هزاران نسل آن را به صورت یک حکم دانسته است. اما بخش هایی از کتاب مقدس تنها از میثاق هایی صحبت می کنند که بین خدا و بشر در مقاطع مختلف تاریخ بشری اتفاق افتاده که از جمله آنها عبارتند از میثاق بین خدا و ابراهیم و میثاق با حضرت موسی و بنی اسرائیل که در سفر خروج در آیه ۱۹ و ۲۰ و ۳۶ مجدداً ایجاد شده است. میثاق هایی که در عهد عتیق است به صورت ابدی در نظر گرفته شده که بارها و بارها تجدید می شوند، بخصوص در کتب انبیاء بویژه در کتاب ارمیا و حزقیال این میثاق ها تکرار می شوند. اما در قرآن ابدیت میثاق نشأت گرفته از آن است که این میثاق بین خدا و تمام بشر پیش از آغاز خلقت انجام شده است. اکثریت مفسرین بر این عقیده اند که سوره اعراف در آیه ۱۷۲ اشاره به همین میثاق شده است؛ و وقتی که پروردگار شما از فرزندان آدم از سلب آنها و از ذریه آنها تعهد گرفت و آنها را شاهد بر میثاق خودشان کرد از آنها پرسید آیا من پروردگار شما نیستم، همگی گفتند بله حتما هستید و ما بر این امر شهادت می دهیم. این آیه هم در میان فرق اسلامی و در هم در میان اهل تصوف بسیار محل توجه بوده هرچند که تفاوت های قابل توجهی در فهم این آیات وجود داشته است. آیات دیگر هم هستند که به همین مضمون اشاره دارند و بایستی همه انسان ها حقیقت آن را بشناسند و آنچه را که از طریق وحی و از طریق عقل به دست می آید، از آن پیروی نکنند. برعکس ریشه همه گناهان و بدی ها و شرارت ها نقض عهد است، همچنانکه ما در قرآن در سوره بقره آیات ۲۶ تا ۲۷ می بینیم که خشم خداوند متعال از نقض میثاق را توصیف می کند یا در آیه ۲۵ سوره رعد می فرماید: به کسانی که بعد از پذیرش میثاق او نقض عهد کردند آنچه را که خداوند به پیمان و پیوند آن دستور داده بود، آن را شکستند و بر روی زمین فساد کردند، بر آنها لعنت خواهد شد و آنها منزلشان دوزخ خواهد بود. در هر حال همه این بحث

هایی که حول وحوش میثاق وجود دارد مربوط به اصل ارتباط و پیوندی است که می تواند میان خدا و انسان و نیز میان انسانها با یکدیگر وجود داشته باشد.

با توجه به بحث‌های مطرح‌شده؛ مفهوم میثاق در کتاب مقدس، به لحاظ لغوی، همان معنایی را دارد که در قرآن. در هر دو دین، میثاق، یعنی عهد و پیمانی که منعقد می‌شود و طرفین متعهد و ملزم به انجام کار یا قولی می‌شوند و در صورت عدم التزام باید متحمل خسارات یا تبعات ناشی از آن گردند. همچنین در هر سه دین، انسان به واسطه بستن میثاق، مقید به قیودی می‌گردد که باید آن‌ها را رعایت کند. در هر سه دین، مهم‌ترین نوع، میثاقی است که بین خدا و انسان بسته می‌شود و سپس، پس از بستن میثاق، خداوند کسانی را که پیرو راستین باشند و عهد و پیمان را پاس بدارند، به یاری‌شان می‌شتابد. خداوند متعال در جای‌جای قرآن خطاب به پیامبر(ص) و مسلمانان تذکر می‌دهد که عهد و پیمان خداوند متعال را به یاد بیاورند و مانند قوم‌های گذشته نقض میثاق نکنند و گرنه آن‌ها هم در مصائب و بلاها گرفتار خواهند شد، همچنین خداوند متعال پیروان حضرت مسیح (ع) و در کنار آن قوم بنی‌اسرائیل و حتی یهودیت را نیز هشدار جدی داده و می‌فرماید که اگر به میثاقشان عمل نکنند، به آتش غضب خداوند خواهند سوخت و به نابودی و هلاک دچار خواهد شد. از همین رو، پس از بسته شدن میثاق بین خدا و انسان؛ رعایت آداب و زمان‌های خاصی برای نشان دادن پایبندی به میثاق، تعیین گردیده و وفاداران به میثاق، به واسطه رعایت شعائر و حرمت نگاه‌داشتن‌ها، مدام در بوته امتحان برای وفاداری گذاشته می‌شوند.

در ابتدا به نظر می‌رسد که میثاق در عهد عتیق تنها برای اسرائیلیان است اما این میثاق بعد از طوفان نوح طرح شده و البته نمی‌توان به این سادگی این میثاق را همان میثاق حضرت ابراهیم (ع) دانست که با ظهور انبیای شیوخ و انبیای دیگر دائما مورد بازسازی قرار گرفته است. از عهد جدید چنین بر می‌آید که میثاق در آن جهانی است هم برای یهودیان و هم برای غیر یهودیان. میثاق در قرآن نیز جهانی است و برای کل بشریت به کار رفته است. از برخی از عبارات عهد عتیق و عهد جدید می‌شود فهمید که میثاق مورد نظر آنها یک بار برای همیشه بین خدا و انسان است، همانطور که ما در سفر پیدایش فصل ۱۷ آیه ۷ می‌بینیم که می‌فرماید: "و میثاق خود را بین خودم و شما و فرزندان شما و سراسر نسل شما برای ابد ایجاد کردم تا اینکه خداوند برای شما و برای ذریه شما بعد از شما باشد" و همچنین در مزامیر آمده است که "خداوند همیشه

بر میثاق خود هست و مواظب و مراقب دستوراتی است که فرموده است. میثاقی که با ابراهیم بسته است برای هزاران سلف او، وعده پایداری داده است، تعهدی که خداوند آن را با یعقوب تأیید نمود و آن را به صورت یک حکم دانست و آن را با اسرائیل به عنوان یک میثاق دائمی در نظر گرفت.<sup>۷</sup> اما بخش هایی از کتاب مقدس تنها از میثاق هایی صحبت می کنند که بین خدا و بشر در طول تاریخ بشری اتفاق افتاده است، مثل میثاق های دیگری که بین خدا و ابراهیم اتفاق افتاده و در سفر پیدایش در آیه ۱۷<sup>۷</sup> مطرح شده و میثاقی که با موسی و بنی اسرائیل منعقد شده که در سفر خروج در آیه ۱۹ و ۲۰ مطرح شده و میثاقی که در سفر خروج آیه ۳۶ مجدداً ایجاد شده است. این ها میثاق های ابدی هستند که بارها و بارها تجدید می شوند، بخصوص در کتب انبیاء بویژه در کتاب ارمیا و حزقیال این میثاق ها تکرار می شوند. اما در قرآن ابدیت میثاق نشأت گرفته از آن است که این میثاق بین خدا و تمام بشر پیش از آغاز خلقت انجام شده است. اکثریت مفسرین بر این عقیده اند که سوره اعراف در آیه ۱۷۲ اشاره به همین میثاق شده است؛ (Lumbard, 2015:p 5)

از نظر قرآن فقط یک میثاق وجود دارد و ادیان وحیانی جلوه های مختلف از یک میثاق هستند. قرآن کریم به عنوان تداومی از سنت ابراهیم (ع) و به یاد آوری از این سری تذکره کننده گان به صداقت میثاقی را که خداوند با جوامع پیشین بسته است آنها را تأیید می کند، بنابر این قرآن نه تنها به دنبال این است که آن میثاقی را که ارواح پیش از اینکه قالب جسمانی به خود بگیرند را به بشریت یادآوری می کند، بلکه همچنین می خواهد میثاق هایی را که فراموش شده و از آنها غفلت شده است آنها را نیز یادآوری کند. قرآن کریم می خواهد هم میثاق های پیش از هبوط را به انسان یادآوری کند و هم می خواهد میثاق های بعد از هبوط را به انسان یادآوری کند. قرآن کریم در آیه ۱۴ سوره مائده می فرماید: کسانی که می گویند ما مسیحی هستیم، ما با آنها میثاق بسته ایم و سپس آنها فراموش کرده اند بخشی از آن چیزی را که به آنها یادآوری شده است. بنی اسرائیل در چندین جا بخاطر نقض میثاق مورد نکوهش قرار گرفتند همچنانکه ما در آیه ۸۳ سوره

<sup>۷</sup> - آنگاه ابرام به روی در افتاد و خدا به وی خطاب کرده ، گفت : « اما من اینک عهد من با توست و تو پدر امت های بسیار خواهی بود...»

بقره می بینیم که خداوند متعال می فرماید: بیاد آور زمانی را که با بنی اسرائیل میثاق بستیم که جز خدای را نپرستند، با والدین، یتیمان، خویشاوندان و تهدیدشان مهربان باشند، با مردم درست سخن بگویند، نماز را برپا دارند، و زکات یا صدقات بدهند. سپس جزء عده قلیلی از شما منحرف شدید و نقض میثاق نمودید و میثاق را کنار گذاشتید. اشارات به این میثاقی که خداوند با بنی اسرائیل منعقد کرده بیشترین کاربرد میثاق در قرآن را به خود اختصاص می دهد، یعنی بیشترین تکراری که از حکم میثاق در قرآن دیده می شود مربوط به میثاق با بنی اسرائیل است. قرآن تصدیق کننده همان میثاق اصلی است و تصدیق کننده بنیان اصلی است که به صورت میثاق هایی متعدد در آمده است، به عبارت دیگر از نظر قرآن فقط یک میثاق وجود دارد و ادیان وحیانی جلوه های مختلف از یک میثاق هستند. همچنانکه می بینیم حضرت محمد(ص) به عنوان خاتم النبیین یاد شده است و ایشان به عنوان کسی که کامل کننده آنچه را که به پیامبران پیشین وحی شده است در نظر گرفته شده است.

### میثاق مبنای گفتگوی ادیان

با توجه به شناخت اجمالی که از میثاق در ادیان ابراهیمی بدست آمد، حال می توان گفت دلایل ادعا (مبنا بودن میثاق در گفتگوی ادیان) را بدین صورت بر شمرد.

#### ۱- اشتراکات در میثاق

میثاق در ادیان ابراهیمی بنیان رابطه خدا با انسان را تشکیل می دهد. این مفهوم می تواند به عنوان وجه مشترک و بنیادی و نیز آئینه تمام نمای این ادیان به شمار رود که در هر یک به تناسب شرایط زمانی\_ مکانی و فرهنگی جلوه و صبغی خاصی پیدا کرده است. با وجود تفاوت هایی که گفته شد برخی بر این باورند که تفاوت اصولی چندانی میان ادیان ابراهیمی در این موضوع وجود ندارد و این عقاید می توانند در هم آمیخته گردند. بعنوان مثال گری لفون (۱۹۳۰)، کشیش، متکلم و استاد دانشگاه کاتولیک در پاریس در کتاب "ایمان مبتنی بر میثاق" می نویسد: "کسانی بر این باورند که رسولی فرستاده شده تا نه تنها پیام آور میثاق ازلی انسان باشند، بلکه خود نیز به عنوان نور محض و هدایت کننده، انسان را به سمت این میثاق فرا خوانند و گروهی دیگر اعتقاد دارند که این موضوع هیچ ربطی به مسئله میثاق تاریخی ندارد بلکه گزارشی است از حیات نورانی انسان در کلمه الهی. این دو نظریه یکی دیگر را نفی نمی کنند بلکه هر دو در هم آمیخته شده اند، به

تعبیردیگر، سخن از یکی سخن از دیگری است. زیرا ایمان و میثاق به عنوان بخشی از روابط میان انسان ها و میان خدا و انسان است. " (Lafon Guy, 2004, p. 223)

### ۲- میزان تداوم رابطه میثاقی

همچنان که روابط میان خدا و انسان بر پایه میثاق شکل گرفته و پاداش و جزای انسان بر اساس میزان پایبندی بر همین قرار تعیین می‌شود، در روابط انسانی نیز ایمان انسان‌ها با وفاداری یا نقض پیمان سنجیده می‌شود و در زندگی آثار و عوارض اساسی دارد. میزان تداوم میثاق از تعریف خود میثاق کاملاً هویداست. تعریف جامع از میثاق عبارت از این است: "میثاق پیوندی است دوجانبه، مبتنی بر تعهدی الزام‌آور و غیرقابل‌انکار که بر اساس عشق بی‌قیدوشرط روابطی را ایجاد می‌کند که هر یک از طرفین مسئولیتی در قبال دیگری به عهده دارد و انسان در این میثاق دوطرفه خود را در معرض آزمایشی ویژه قرار می‌دهد که باید تمام تلاش خود را بکار گیرد تا از آن سربلند بیرون آید. این رابطه تنها با مرگ خاتمه می‌یابد" (Smith, 2002: 13). میثاق که با سوگند همراه، با خون ممه‌ور و با حضور خداوند محفوظ گردیده است. از این‌روست که میثاق در عهد عتیق در بسیاری از موارد با استعاره‌ی ازدواج توضیح داده شده و اسرائیل به‌عنوان همسر یهوه تلقی شده و رابطه‌ی او با خدایان دیگر به شکل فساد یا زنا توصیف شده است. سفر تثنیه از استعاره‌های برگرفته از زندگی خانوادگی استفاده می‌کند تا ارتباط بنی‌اسرائیل با خدا را بیان کند و می‌گوید که در اینجا غیرت یک امر ویژه است. این زبان ازدواج است که در آن همسران بایستی به یکدیگر وفاداری انحصاری داشته باشند، همانطوریکه خداوند پس از میثاق از مردم وفاداری انحصاری را طلب می‌کند. در این رابطه بی‌وفایی به‌عنوان خیانت، فاحشه‌گری یا بی‌عفتی بیان می‌شود. چرا که در این استعاره، اسرائیل همسر یهوه در نظر گرفته شده است. در اینجا واژه‌ی "زنا" برای خیانت به همسر و نیز برای نقض میثاق خداوند بکار رفته است. (Gift Mweebe, 2010, 144)

### ۳- ضمانت و پشتوانه میثاق

هیچ رابطه‌ی ای در جهان بشری استوارتر از رابطه میثاقی نیست. میثاق یک تائید و تصدیق رسمی و جدی است که تعهدی را برای کسی که سخنانش را با توسل به خدا محقق می‌سازد، ایجاد می‌کند. طرفین میثاق در عهد عتیق بارها از خدا می‌خواهند که شاهد حقیقت سخنانشان باشند آن‌ها

همچنین از خدا می‌خواهند که یاور آن‌ها باشد و به آن‌ها این توانایی را بدهد که بتوانند شرایط و مفاد میثاق را به‌جای آورند. در آخر آن‌ها از خدا می‌خواهند که او همیشه مراقب طرف این میثاق باشد تا میثاق لطمه‌ای نبیند. بدین‌صورت خداوند شاهد بر میثاق یا نفر سوم میثاق می‌گردد. این سخن بدان معناست که اگر عهده‌ی که بسته‌اند بر خطا باشد یا اگر خیانتی در آن باشد خدا بر آن‌ها داوری خواهد کرد. همیشه انعقاد میثاق با قربانی همراه بود. به این صورت که حیوانی ذبح می‌شد و لاشه آن از وسط به دونیم می‌شد و طرفین میثاق از بین آن دونیمه عبور می‌کردند. (نک: Allison, 2016, 47-60) در ایده میثاق، علاوه بر طرفین قرارداد که متعهد به الزاماتی می‌گردند، خود انسان با خودش متعهد می‌شود که به تعهدات خود وفادار بماند. درست مثل رابطه والدین و فرزند که نمونه بارزی از این نوع رابطه پایدار است.

در بسیاری از توصیفات کتاب مقدس در میثاق‌هایی که بین رهبران و پادشاهان و ملت آن‌ها بسته می‌شود از خدا خواسته می‌شود که به‌عنوان شاهد میثاق حضور داشته باشد. چه‌بسا که عمل به میثاق به آینده موکول شده باشد. از این‌رو، تصور بر این است که خدا میثاق را یادآوری خواهد کرد و او ضامن دائمی برای این امر خواهد بود. بنابراین، میثاق مستلزم وجود شاهده‌ی است که زمان برای او ملاک نباشد. درحالی‌که، اغلب قراردادهای بشری معمولاً یک قراردادی با زمان و مکان خاص و با انتظارات و عملکردهای تقریباً مشخص زمانی و مکانی هستند.

این حضور و شهادت خدا بر میثاق در پیمان‌های مطرح‌شده در عهد عتیق مشخص است. در این موارد حتی شهادت خدا را به‌صورت نمادین در روی زمین ایجاد می‌کردند و بعضاً همین نماد بعدها به پدیده‌ای مقدس تبدیل می‌شد: "... یوشع این کلمات را در کتاب قانون خدا نوشت سنگ بزرگ را برداشت و آن را زیر درخت بلوط در کتاب در مکان مقدس قرارداد و به مردم گفت نگاه کنید این سنگ شاهد علیه ما خواهد بود زیرا تمام سخنان ما را شنیده است همچنین شاهده‌ی بر علیه شما خواهد بود مبادا با خدا بدی کنید. در نمونه‌ای دیگر از کتاب مقدس، وقتی حضرت یعقوب و لابان توافق می‌کنند که با همدیگر میثاق ببندند، یعقوب تخته‌سنگی برمی‌دارد و آن را به‌عنوان نشان عهد، به‌صورت عمودی قرار می‌دهد. سپس آن دو در پای سنگ در پای سنگ طعام میثاق می‌خورند. سپس لابان می‌گوید: "خدا بر ما دیده‌بانی کند... هرگاه یکی از ما عهد بشکند، خدای ابراهیم، خدای ناحور

و خدای پدر ایشان تارح، او را هلاک کند." (سفر پیدایش، ۳۱، ص ۵۴-۴۵) بنابراین، حضور و شهادت خدا در میثاق محکم‌ترین پشتوانه میثاق تلقی می‌گردد.

#### ۴- اخلاق میثاقی

میثاق تعهدی غیرقابل نقض بین دو طرف بر اساس عشقی بی‌قیدوشرط است. قراردادهای انسانی ناشی از تمایل برای به بدست آوردن چیزی است اما میثاق به نفع شخص دیگر آغاز می‌شود. قراردادها بر اساس ذهنیت "اگر ... ، پس ..." تنظیم می‌شوند اما در روابط میثاق، عشق بی‌قیدوشرط اصل حاکم بر فضای رابطه است. واکنش‌ها در رابطه میثاقی متکی بر گذشت است اما در رابطه قراردادی مبتنی بر مقابله است. گذشت و بخشش به معنای تمایل به چشم‌پوشی و ادامه یک رابطه دوست‌داشتنی و رو به رشد است اما مقابله به معنای مسئول دانستن شخص مقابل در قبال اقدامات خود است. در قراردادهای انسانی پتانسیل عشق بی‌قیدوشرط وجود ندارد. رابطه مبتنی بر قراردادها این اجازه را به طرف قرارداد می‌دهد که در صورت به دست آوردن فرصتی بهتر قرارداد را نقض نماید این همان مفهوم ناکارآمدی این نوع قراردادها در برابر میثاق است. همچنین در قراردادها به تعادل بین طرفین قرارداد تا حد زیادی توجه می‌شود. از کتاب مقدس برمی‌آید که اگر خدا در پی چنین تعادلی بود از این همه گناهان ما نمی‌گذشت

وفای به عهد از مصادیق بارز اخلاقی بودن است. بنابر این اخلاق بنیاد میثاق میان خدا و انسان است. کتاب مقدس نشان می‌دهد که چگونه عشق بی‌قیدوشرط در رابطه میان افراد عمل می‌کند. کتب مقدس عشق بی‌قیدوشرط افراد را با عشق خداوند به انسان قیاس می‌کنند. معلوم می‌شود که عشق بی‌قیدوشرط در اینجا قانون‌های قراردادی را بی‌اعتبار می‌سازد. در فصل اول و دوم کتاب هوشع نبی، ازدواج هوشع با گومر که زنی هرزه بود، بیان می‌شود که سمبل رابطه خداوند و اسرائیل است. (هوشع، ۱، ۳-۵) این رابطه در فصل دوم به طلاق منجر می‌شود که این طلاق، طلاق خداوند از اسرائیل است. همان‌گونه که هوش از گومر به دلیل خیانت طلاق می‌گیرد، خداوند نیز از اسرائیل به دلیل خیانت جدا می‌شود. این فصل با گفتن اینکه خداوند یک روز عهد خود را با پادشاهی شمالی اسرائیل زنده می‌کند و اسرائیل را با محبت قبول می‌کند اتمام می‌یابد. در فصل سوم به دستور خداوند، هوشع دوباره به نزد گومر بازمی‌گردد. گومر خود را به پول فروخته است و هوشع مجبور

می‌شود که او را بخرد. او گومر را به منزل خود می‌برد. این مسئله نشان‌دهنده این است که عشق بی‌قید و شرط در رابطه میثاقی باعث می‌شود که حتی با وجود این میزان از مشکلات رابطه ادامه پیدا کند. (Birinig & Nock, 2012, ۸)

#### ۵- سابقه تاریخی آموزه میثاق

عهد و پیمان در جهان باستان توافقی جدی به شمار می‌رفت که جوامع سعی می‌کردند بر اساس آن رفتار اشخاص و نهادها را بویژه در زمینه‌هایی که کنترل اجتماعی در آنها وجود نداشت و یا کم‌رمق بود، قاعده‌مند کنند. اما در تاریخ دین، مفهوم میثاق یکی از مفاهیم دیرپا به شمار می‌رود که بویژه در ادیان توحیدی مورد تأکید بوده است و همواره می‌توان آن را در متون دینی مشاهده نمود. این مفهوم، اساس کتاب‌های آسمانی، از جمله، عهد عتیق، عهد جدید و قرآن کریم است. در تورات محور اصلی خداوند است. هر داستان، نقل قول، واقعه و حکمی با او مرتبط می‌شود. خدایی که عهد عتیق از آن سخن می‌گوید، خدایی است که معمولاً رفتار خویش را با بندگانش بر اساس پیمان و معاهده پی‌ریزی می‌کند و معمولاً آنان خدا را تنها در قالب میثاق می‌شناسند و این میثاق است که چگونگی تعامل خدا و بشر را مشخص می‌کنند.

#### ۶- ایضاح مفهومی آموزه میثاق

همچنان که در ابتدای مقاله عنوان شد، آموزه میثاق در مقایسه با سایر مفاهیمی که می‌توانستند مبنایی برای گفتگوی ادیان به حساب بیایند از ایضاح مفهومی بیشتری در هر سه دین ابراهیمی برخوردار است. مفهوم میثاق در متون دینی ادیان ابراهیمی نخستین بار در ارتباط ابراهیم نبی با خداوند قابل مشاهده است. مرکز ثقل عهد الهی در تورات، همین میثاق است که هم متضمن سرنوشت و تقدیر نسل‌های پس از اوست، و هم در بردارنده تکالیف و مسئولیت‌های جوامع واقوام بعد از وی می‌باشد. تاجایی که این میثاق خداوند با پیامبر خود، سبب شد که نام این پیامبر را از ابرام به ابراهیم تغییر دهد.

میثاق بین خداوند و انسان یک قانون مشخص الهی است و مردم در برابر آن مسئول هستند. این قانون به سعادت انسان منجر خواهد شد و اگر امروزه این پیمان دارای مبنای استواری است و مردم امروزه با آن زندگی می‌کنند و وفاداری خود را به آن به اثبات می‌رسانند بدلیل آنست که معنا و مفهوم آن واضح است. ایضاح مفهومی این آموزه هم از این روست که در طول تاریخ انبیا عظام از



حضرت آدم (ع) تا خاتم الانبیا (ص) مذکران و تبیین کنندگان این آموزه بوده اند و کتب مقدس این ادیان نیز تفصیلی از میثاق میان خدا و انسان بحساب می آید.

#### ۷- گستره جهانی میثاق

این آموزه در ادیان ایرانباستان، ذیل قانون ایزدی اشته (حقیقت، درستی) و پیمان در آیین میترا، در مصر باستان با عنوان ماعت، در ادیان هند تحت عنوان ارته، در شرق زیر عنوان دائو و در بودیسم با عنوان سمه پده (Paṭicca-samuppāda) به معنی وابستگی متقابل پدیده‌ها<sup>۸</sup> یا شونیاتا به معنی تهیگی بنیادین، قابل بررسی است. در ایران باستان قانون خدایی با قانون طبیعی یکی و آن اشته است، گُنش قانونی که با راستی و داد یگانه است. اشته، میزان (شاخص) است. این آدمی است که باید گُنش خود را با اشته هم آهنگ کرده، با راستی و داد، رفتار کند تا خوشبخت شود. اشته داده اهورامزدا و خود اهورمزدا است. اشته در کارها ی آدمی دخالتی ندارد. آدمی از آزادی گزینش (اختیار) برخوردار است ولی نتایج کار آدمی با میزان اشته، سنجیده می شود. این همان میثاق و تعهد دوجانبه میان انسان و اهورامزدا. (حکیمی فر، ۱۳۹۸، ص. ۳۳)

حتی اگر خواننده گرامی با فرضیه فوق موافق نباشد و آموزه میثاق را محدود به ادیان ابراهیمی بداند، باز هم گستره میثاق چندان کوچک نخواهد بود چرا که سه دین بزرگ ابراهیمی در طول تاریخ چند هزار ساله همواره بیشترین پیروان را داشته و گستره وسیعی از جهان را دربر گرفته است.

#### نتیجه گیری:

برایند مطالب مذکور، این است که گفتگوی موجود بین ادیان باید در سطحی مطرح شود که مربوط به عمق و کنه ادیان است. این اتفاق عملاً به وسیله اهالی معنا و با تکیه بر باطن ادیان و با گذر از محدودیت‌های عقاید شخصی و با نگرش مثبت به همه ادیان و تکریم سایر معتقدان قابل رخ دادن است. رابطه مبتنی بر میثاق پیوندی بسیار فراتر از روابط عادی، قانونی و حقوقی است چرا که این

<sup>۸</sup> . ر. ک به مقاله "قانون وابستگی متقابل؛ بنیانی برای صلح در بودیزم"، حکیمی فر، مجله مطالعات شبه قاره دوره ۱۱، شماره ۳۶، فروردین ۱۳۹۸، صفحه ۳۳-۵۲

نوع رابطه حداقل دارای یک سری ویژگی‌های برجسته است که این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: الف: میثاق رابطه‌ای قانونی، خطیر و کاملاً جدی است. ب: میثاق مبتنی بر تعهد، التزام و وفاداری طرفین است. ج: میثاق مبتنی بر عشق بی‌قیدوشرط است. د: میثاق دارای ماندگاری حداکثری است. ه: میثاق با احترام، اعتماد و صداقت همراه است. و: میثاق دارای شفافیت مفهومی و الهیاتی است. ز: خدا شاهد میثاق است و در آن حضور و مشارکت دارد.

آنچه که در پرتو گفتگوی عمیق تحقق خواهد یافت، نوعی خودشناسی عمیق است که حتی ممکن است به اعتراف یا بازسازی اعمال اشتباهی که پیشتر صورت گرفته، منجر شود و یا به ممانعت از تنازعات و خشونت‌ها بینجامد. با توجه به تجارب معنوی در طول تاریخ، در سرتاسر جهان، و گزارش‌های عصر حاضر دیده می‌شود که ظاهراً این آموزه در میان کل بشریت امری مشترک است چرا که به نظر می‌آید که بشریت در حیطة معنوی که منجر به عطوفت و عقلانیت می‌شود، سخت به هم پیوسته باشند. بنابراین لازم است چنین نیرویی مهار گردد و در خدمت گفتگوهای بین ادیان قرار گیرد تا پیروان ادیان را قادر به سازگاری و رواداری نماید. ما برای حفظ و بقای سیاره خود به همکاری و مساعدت با یکدیگر نیاز داریم و اگر قادر به درک محدودیت‌های بشر در یک قلمرو نامحدود شویم، می‌توانیم جهان را از منظر دیگری ببینیم و با هم در صلح و آرامش زندگی کنیم.

## منابع

\* قرآن کریم.

کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید (۱۹۲۰) ترجمه ی قدیم، انتشارات انجمن کتاب مقدس، لندن.

حکیمی فر. خلیل. (۱۳۹۸) "قانون وابستگی متقابل؛ بنیانی برای صلح در بودیزم"، *مجله مطالعات شبه قاره*، دوره ۱۱، شماره ۳۶، ص ص ۳۳-۵۲

حکیمی فر. خلیل (۱۴۰۰)، ضرورت آموزش شیوه‌ها و مهارت‌های گفتگوی ادیان، *دوفصلنامه علمی دین و ارتباطات*، بیستمین سال پیاپی، شماره اول، نهم و ست ۶۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، مقاله پژوهشی، ص ص ۱۰۲-۸

پور احمد. محمد، حکیمی فر. خلیل (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، *میثاق در قرآن و عهد جدید*، سال پنجاه و یکم، شماره دوم، ص ص ۲۲۷-۲

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

هانس کونگ. یوزف فان اس. (۱۹۸۴) *مسیحیت و ادیان جهانی (مسیحیت و اسلام)*. پی.پر.

### References

- Akashah, Khaled (1999) "The Theological Foundations of the Interfaith Dialogue, "Vincentiana: Vol. 43: No. 4, Article 12. Available at: <https://via.library.depaul.edu/vincentiana/vol43/iss4/12>
- Allison Charles. S, (2016), The Significance of Blood Sacrifice in the Old Testament, Africa Research Review, Ethiopia Vol. 10(1), Serial No.40, January, 46-60
- Bradley Shingle ton, In Search of Common Ground: The Role of a Global Ethic in Inter-Religious Dialogue.2008.  
[https://www.carnegiecouncil.org/publications/ethics\\_online/0023](https://www.carnegiecouncil.org/publications/ethics_online/0023)
- Brinig Margaret & Nock Steven L., (2004) What does covenant mean for relationships, 18 Notre Dame J.L. Ethics & Pub. Pol'y 137. Available at: [https://scholarship.law.nd.edu/law\\_faculty\\_scholarship/1438](https://scholarship.law.nd.edu/law_faculty_scholarship/1438)
- Campbell, w. (1984). Christianity and Judaism: Continuity and Discontinuity. *International Bulletin of Missionary Research*.
- H.Essex, K. (1999). The Abrahamic covenant. The Master's Seminary Journal 10.2 <https://tms.edu/wp-content/uploads/2021/09/tmsj10n.pdf>  
<http://www.osservatoreromano.va/en/news/compassion-and-mercy-keys-to-interreligious-dialog>
- Lafon Guy. (2004). Une foi d'alliance. À propos de Jean 1, Revue théologique de Louvain, 35<sup>e</sup> année, fasc. 2, pp. 217-229.
- Lumbard, Joseph E.B. (2015). Covenant and Covenants in the Qur'an. Journal of Qur'anic Studies 17.2, 1-23 Edinburgh University Press.
- Malcolm. Smith, (2002). The Power of the Blood Covenant- Uncover the Secret Strength in God's Eternal Oath, Harrison House, Tulsa, Oklahoma
- Mweemba, G. (2010). The Covenant under Threat of the Baal Fertility Cult: A Historical Theological Study, Thesis in Dictionary of Theology, University of South Africa.
- Neighbor-Love as a Keystone to Christian-Muslim Dialogue 20-Sacred Heart University, [stiltnerb@sacredheart.edu](mailto:stiltnerb@sacredheart.edu)T 2013
- Rendtorff Rolf. (2000) The Covenant Formula: An Exegetical and Theological Investigation, ISBN-9780567086051, Publisher: Bloomsbury Academic  
<https://www.amazon.com/s?k=9780567086051&i=stripbooks&linkCode=qs>

